

مقام فاطمه زهرا علیها السلام در خور آن است که عقول برجسته انسانهای بزرگ در اصلی‌ترین رشته‌های تفکرات ایشان بیندیشند و زبانهای فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین گویندگان، شعرا و سرایندگان آن اندیشه‌ها را در قالب کلمات بیاورند.

مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (دام ظله)



سازمان اوقاف و امور خیریه
سعادت‌زنشی



اجر رسالت

«بگو هیچ اجر و پاداشی در برابر ابلاغ رسالت
نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن و نیکی به
نزدیکانم...»*

آیه نازل شد. به همه‌ی مؤمنین از زن و مرد دستور
نیکی به خاندان و نزدیکان پیامبر خاتم را صادر
کرد. مردم مانده بودند، مودت و دوستی چه کسانی
واجب است و به دستور خدای مهربان باید به چه
کسانی مهروزی و محبت کنند.

خدمت رسول خاتم آمده عرضه داشتند:
ای پیامبر خدا! نزدیکان شما - که محبت آن‌ها بر ما
واجب است - چه کسانی هستند؟
حضرت ختمی مرتب فرمود: «علی، فاطمه و
فرزندان فاطمه (علیهم السلام)» و این نکته را ۳ بار تکرار
کردند.

* سوری، ۲۳



حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

بهترین شماکسی است که در برخورد با مردم فرم ترو
مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که
با همسرانشان مهربان و بخشندۀ اند.





اول همسایه

دست‌هایش رو به آسمان بود.

فرصت مناسبی بود؛ دل شب.

مادر دعا کرد و دعا... برای این، برای آن، از کوچک تا بزرگ؛ همه‌ی در و همسایه‌ها را، همه مؤمنین را. کودکان هم آمین می‌گفتند.

بعد دعا، حسن علیه السلام که خردسال بود پرسید:
مادر جان! همه را دعا کردی. اما برای خودت هیچ طلب نکردی؟!

مادر با نوازش مادرانه و با مهربانی پاسخ فرمود: حسن! اول همسایه، بعد خانه و اهل آن. مهرورزی را از همان کودکی به فرزندانش می‌آموخت.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم را شفاعت می‌نمایم.
احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۲۹



اول همسایه



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام:
همانا حقیقت و واقعیت تمام سعادت ها و
رستگاری هادر دوستی علی عليها السلام در زمان حیات
و پس از رحلتش خواهد بود.



فاطمه، شب قدر عارفان

در آسمان معرفت حضرت زهرا عليها السلام برترین اندیشه های بشری، حیران و تیزپرواژترین عقل ها، سرگردان گشته اند. بلندای رتبت و اوج منزلت این در یکانه خزاين عرش الهی، چنان والا و بالاست که در گستره ادراک نمی گنجد.

بنابر روایات متعدد و معتبری که از ائمه طاهرين عليهم السلام رسیده، حقیقت ليلة القدر به وجود فاطمه زهرا عليها السلام تفسیر شده است. آری، حقیقت ليلة القدر، وجود یکانه زهراست. و چرا چنین نباشد؟ حال آن که ليلة القدر، ظرف نزول قرآن صامت است و فاطمه، ظرف نزول یازده قرآن ناطق.

انسان های به تکامل و فعلیت رسیده، قرآن ناطقند و این فاطمه است که ظهور یازده کلام الله ناطق گردیده است: فاطمه، از نظر حقیقت، باطن ليلة القدر است. وَمَا أَدْرِيكُ مَا لَيْلَةُ الْقُدرِ چه کس را یاری آن خواهد بود تا ليلة القدر را درک نماید؟! باری، قدر و منزلت فاطمه برای مردمان، نهان است به همان سان که عظمت شب قدر برای ایشان، پنهان است. به دیگر سخن، معرفت حقیقی فاطمه، همان قدر در اوج و دست نایافتنی است که ادراک شب قدر. او، همان حقیقت یکانه ای است که راز گشای حقایق، حضرت امام جعفر صادق عليه السلام، معرفت وی را هم طراز ادراک شب قدر معرفی می فرماید: «الليلة»، فاطمة و «القدر»، الله. فَمَنْ عَرَفَ حَقًّا مَعْرِفَتَهَا فَقَدْ ادْرَكَ لِيْلَةَ الْقَدْرِ؛ «ليلة»، فاطمه است و «قدر»، الله؛ از این روی هر آن که به شناخت حقیقی فاطمه، توفیق یابد، بی گمان شب قدر را درک کرده است.





حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

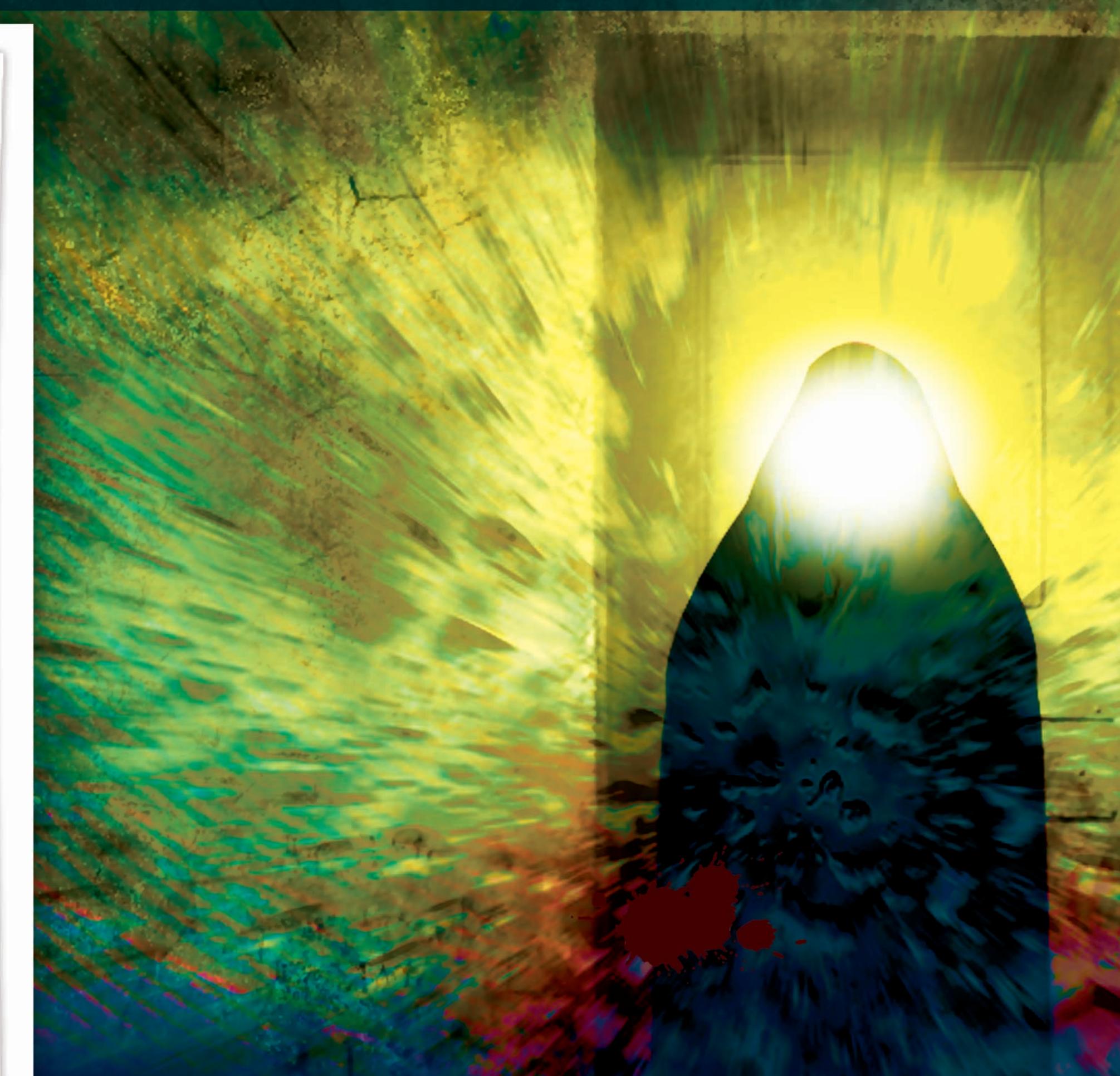
اگر آنچه را که ماهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم
خودداری نمائی، تو از شیعیان ماهستی و گرنه، خیس:
تفسیر الامام العسکری، ص ۳۲۰

ایثار فاطمه (علیها السلام)

ای مردم، کسی حاضر است این غریبه را میهمان خانه
خوبش کند؟
سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمام شد، اما جوابی نیامد. فقر
در مدینه همه‌گیر شده بود؛ مهاجرین که دارایی
هایشان را در مکه گذاشته بودند، انصار هم هر چه
داشتند با مهاجرین قسمت کرده بودند، حتی خانه‌ها
را.

مثل همیشه دست با کرامت علی صلی الله علیه و آله و سلم بود که به یاری
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. میهمان رایه خانه بردا.
آی دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا غذایی در منزل هست؟!
اندازه خوراک یک کودک
زهرا ای اطهر علیها السلام به احترام همسرش کودکان را
گرسنه خواباند و غذا را برای میهمان آورد.
فردای آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از دیدار علی صلی الله علیه و آله و سلم
اشک شوق ریخته فرمودند: «علی جان! این کارتان
ملائک الهی را ب تعبیر واداشت و این آیه در حق
شما نازل شد: (هر چند یه چیزی نیازمند باشند باز
دیگران را بر خویش در آن مقدم می‌دارند)***».

* حشر، ۹



سازمان اوقاف و امور خیریة
معاونت فرهنگی



یک بار عایشه به پیامبر گفت: چرا اینقدر فاطمه را می‌بویی؟
چرا اینقدر فاطمه را می‌بوسی؟ چرا به هر دیدار فاطمه، تو
جان دوباره می‌کیری؟
گفتم: خموش! عایشه! فاطمه بهشت من است، فاطمه کوثر
من است، من از فاطمه بوی بهشت می‌شنوم، فاطمه عین
بهشت است، فاطمه جواز بهشت است، رضای من درگروی
رضای فاطمه است، رضای خدا در گروی رضای فاطمه
است، خشم فاطمه جهنم خداست و رضای فاطمه بهشت خدا.
فاطمه جان! خاطرِ تورانه فقط بدین خاطر می‌خواهم که تو
دختر منی، تو سیده زنان عالمیانی، تو برترین زن عالمی،
خدا تو را چنین برگزیده است و خدا به تو چنین عشق می
ورزد.
این را من از خودم نمی‌گویم، کدام حرف را من از جانب
خودم گفته‌ام؟
آن شب که به معراج رفته بودم، دیدم که بر در بهشت به
زیباترین خط نوشته است:
خدایی جز خدای بی‌همتا نیست، محمد ﷺ پیامبر خداست.
علی ملعوق خداست، فاطمه، حسن و حسین برگزیدگان
خدا هستند و لعنت خدا بر آنان که کینه ورز این عزیزان خدا
باشند.



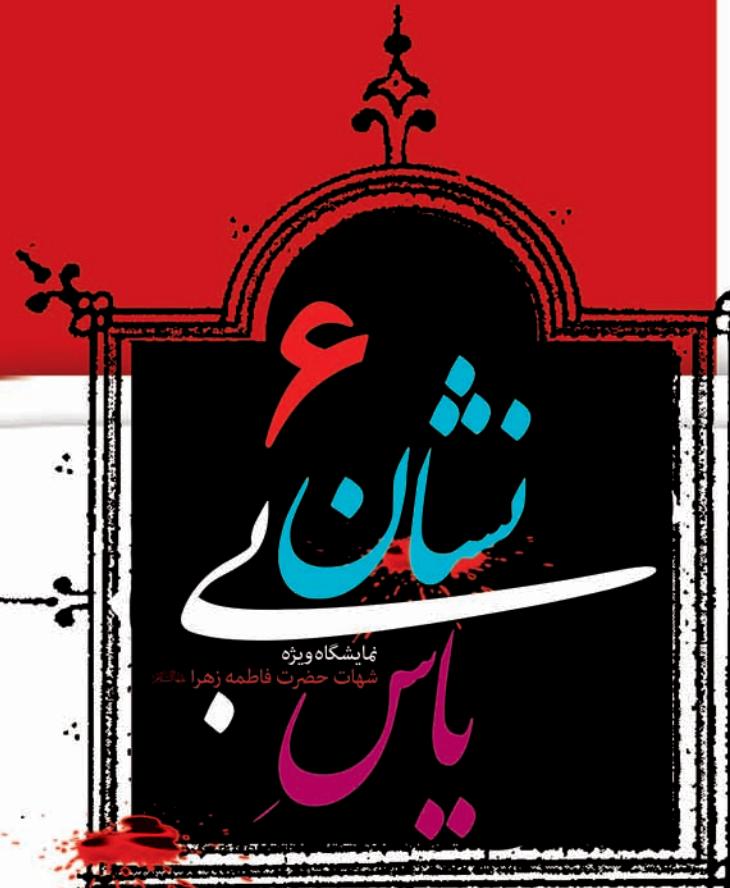
حضرت فاطمه زهرا (ع):
خداوند، به حق اولیاء و مقربانی که آنها را برگزیده‌ای، و به گریه
فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می‌خواهم گناه
خطاکاران شیعیان و پیروان مارا ببخشی.



حضرت زهرا ع

از دنیای شما سه چیز محبوب من است:

۱. تلاوت قرآن ۲. نگاه به چهره رسول خدا ۳. اتفاق در راه خدا



تو حقيقة ليلة القدر

يا فاطمه!

تو حقيقة ليلة القدر؛ همان شبی که **فیها یُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٌ**؛
پس تو میزان جداسازی حق از باطی.
يا زهرا!

تو تفسیر ليلة القدر؛ همان شبی که ظرف نزول حقيقة قرآن گشته
است. پس تو حقيقة قرآنی و ظرف نزول یا زده کلام الله ناطق. تو
آینه دار تمام اسماء و صفات پروردگاری.

يا راضیه!

تو باطن ليلة القدر؛ همان شبی که مبارکه است و همان شبی که
حاجات بندگان در آن برآورده می شود و دعای ایشان در آن به
اجابت می رسد. هنگامه ریزش فیوضات، خیرات و برکات بی نهایت
الهي. پس تو سرچشمہ بی کرانه برکت و خیر کثیری.

تو تجلی تمام رحمت ربی. تو وجیهه عنداللهی که عرض نیاز
حاجتمندان با وساطت توبه درجه اجابت می رسد.

يا ظاهره!

مت Hibim که چه خواست؟ تو مظہر واجب الوجودی. تو معنی جان
ممکنات. تو جام جهان ممای ذاتی. تو مظہر جملہ صفائی. تو مجھوہلة
القدری؛ همان گونه که مخفیة القبری.

تنها خدا می داند که در آفرینشت چه کرده است؛ تنها خدا.





فاطمه، حقیقتی یگانه

يا فاطمه!

ظاهره اي ياطهارت بخش اهل بهشت!
بتولي يا لياقت بخش بريين سرنوشت!
تقيه اي يا تلاقي گاه قرآن و عترت با نبوت!
معصومه اي يا ميعادگاه كتاب و امامت بارسالت!
نمي دانم چگونه توصيفت کنم!
شگفتا از تو!

شگفتا که شگفتی و شیفتگی بشر را با تو پایانی نیست!
تو کیستی و دارای چه ظرفیتی که هم قرآن را، هم نبوت را و هم
امامت را در خود گنجانده ای؟!
تو را چه وسعت و عظمتی است که ميعادگاه قرآن و امامت با
رسالت گردیده ای؟!
چنین ظرفیت شگفتی، تنها شایسته و سزاوار مقام توست که در دوره
زندگی ات، دوام بخش رسالت پدر بودی و حفاظت بخش امامت
همسر و اینمی بخش كتاب برتر؛ استمراردهنده خط رسالت بودی و
حفظ کننده سیر امامت و منع کننده تحریف از كتاب پرکرامت.

حضرت زهرا عليها السلام
خداوند متعال نماز را برای خضوع و فروتنی و
پاکی از هر نوع تکبر، واجب فرمود.



سازمان اوقاف و امور زیره
سماونت فریضی



حضرت فاطمه زهرا عليها السلام:

شیعیان ما و همچنین دوستان دوستان ما و آنانکه دشمن دشمنان ما باشند و نیز آنها ی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود.



عاشراتر از عاشورا

مادر! زینب را از عاشورا متربسان. مرا به کربلا دلداری مده.
عاشرورا اینجاست! کربلا اینجاست!

اگر کسی جرأت کرد در تپ و تاب مرگ پیامبر، خانه دخترش را آتش بزند، فرزندان او جرأت می‌کنند، خیمه‌های نوادگان پیغمبر را آتش بزند.

من بچه نیستم مادر!
شمشیرهایی که در کربلا به روی برادرم کشیده می‌شود، ساخته کارگاه سقیفه است. نطفه اردوگاه ابن سعد در سقیفه منعقد می‌شود.

مادر! در کربلا هیچ زنی میان در و دیوار قرار نمی‌گیرد.
خدوت گفته‌ای. ما حداقل تازیانه می‌خوریم، اما میخ آهنین، بدنها یمان را سوراخ نمی‌کنند.

مادر! وقتی تو را از پشت در بیرون کشیدند، من میخ‌های خونین را دیدم.
نگو گریه نکن مادر! باید مرد در این مصیبت، باید هزار بار جان داد و خاکستر شد.

ما سخت جانی کرد هایم که تاکنون زنده مانده‌ایم.
نگو که روزی سخت‌تر از عاشورا نیست.
در عاشورا کودک شش ماهه به شهادت می‌رسد، اما تو کودک نیامده‌ای - محسن‌ات - به شهادت رسید.
دختر اگر درد مادرش را نفهمد که دختر نیست.
من کربلا را میان در و دیوار دیدم، وقتی که ناله تو به آسمان بلند شد.

بعد از این هیچ کربلایی نمی‌تواند مرا اینقدر بسوزاند.



سازمان اوقاف و مؤسسه
معاونت فرهنگی



لبخند بر تابوت

اسماء پیش آمد به چشم‌های خانم خانه نگریست.
بانوی من! شما را چه شده؟
چه چیزی شمارا این‌گونه پریشان کرد؟!
در تمام زندگی تلاش کرده‌ام چشم نامحرمی مرانبیند؛
حال نگران حباب بعد از مرگم هستم.
بانو که تعجب را در چشم‌های اسماء خوانده بود ادامه
داد: این تابوت‌هایی که مرسوم است، خیلی پوشیده
نیست. هر چند روی جنازه را پارچه می‌کشند، اما حجم
بدن در برابر دید نامحرم‌ها است.
اسماء رو به بانویش عرضه داشت:
من در سرزمین مادری ام دیده‌ام تابوتی درست می‌کنند
که دیواره دارد و اندام در مقابل دید دیگران نیست.
به اسماء توصیه نمود یکی از آن تابوت‌ها را برایش
درست کند.
هیچ کس حضرتش را از زمان رحلت پدرس تا آن روز
که توانسته بود برای پوشش بعد از مرگش هم کاری
کند، آنقدر خوشحال ندیده بود.



حضرت فاطمه زهرا ع

هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا
انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات‌خود را
برای او تقدیر می‌نماید.



سازمان اوقاف امویجتیه
تعاونیت فرهنگی



حضرت زهرا (رض)
همانا خداوند متعال زکات (و خمس) را برابر تزکیه
نفس و توسعه روزی واجب فرمود.

فاطمه تجلی عطوفت خداوند

يا فاطمه!

سرشم، مهر و محبت تو! بهشتم، مزار بی چراغ تو!
چنان گن که سرنوشتم، باشد لطف و شفاعت تو!
يا فاطمه!

تو زهراي و شفيقه روز جزا! تو فاضله اي و آينه دار فضل،
محشر كبرا!

يا فاطمه!

به حق رحمت! به حُرمت عطوفت! دست من و لطف و
عطای بی کرانه است. جرم من و شفاعت گری یگانه است.
يا فاطمه!

اي مظہر رحمت بی کرانه الھی! اي تجلی عطوفت بی همتای
خدای! اي بروز رافت بی پایان باری:

اھل عصیان گر تو را روز جزا حامی کند
قهر سبحانی کند تیغ جزا در نیام
گر گشایی از شفاعت بر گنھ کاران دری
بنده از رحمت خدا درهای دوزخ را تمام



اللهُمَّ إِنِّي نَسْأَلُكُكَ الْعَمَلَ الْمُبَرَّ وَنَسْأَلُكُكَ الْمُنْهَى



فاطمه، سفارش شده برترین رسول الهی

در فضیلت فاطمه زهرا علیها السلام همین بس که اشرف مخلوقات و برترین کاینات، پیامبر رحمت، محمد مصطفی علیه السلام، عمری را به معرفی فاطمه می پردازد؛ در هر فرصت مناسبی از فضل و فضیلت فاطمه سخن می راند و احترامی بی حد و حصر در حق وی روا می دارد تا شاید این فرشیان حق ناشناس، قدرشناس این گوهر دردانه عرشی گردد.

روزی پیامبر، در حالی که دست فاطمه علیها السلام را گرفته بودند، از منزل خارج شدند و در میان جمع مسلمانان حضور یافتند و خطاب به ایشان فرمودند:

هر که این دختر را می شناسد که می شناسد، اما هر که او را نمی شناسد، بداند که او فاطمه دختر محمد است. او پاره وجود من است. او قلب من است. او روح میان دو پهلوی من است. هر که او را بیازارد مرا آزرسد است و هر که مرا بیازارد، همانا خدا را آزار و اذیت رسانیده است.

این فرموده های حکمت آمیز از زبان پاک وجودی صادر شده که طبق صریح آیات قرآن، هرگز رفتاری از روی خواسته های نفسانی یا گفتاری برخاسته از احساسات غیرعقلایی از وی صادر نمی شود و سخن او، جز وحی نیست که بر او الهام می شود.

باری، گفتارش عین حکمت است. رفتارش عین حقیقت است. سخنش عین وحی الهی است. کلامش عین خواست خدایی است. کردارش عین رضایت باری است. چنین وجود نورافی و پاکی در شان یگانه دخترش می فرماید:

فِدَاكِ آبُوكِ يَا فَاطِمَةً! پُدِرتْ بَادًا فَدَاهِ بُودَ تَوَ! ای فاطمه!

این بیان نورافی پیامبر، برانگیزنده معرفتی بس عمیق نسبت به مقام بی نظیر فاطمه علیها السلام می تواند باشد و رساننده این واقعیت که فاطمه علیها السلام، جان و جانان رسول خداست؛ فاطمه، روح و ریحان رسول خداست؛ فاطمه پاره ای از وجود رسول خداست و در یک کلام: فاطمه، مایه قوام و استمرار وجود رسول خداست.

حضرت زهرا علیها السلام خطاب به مهاجرین و انصار فرمود:

از من دور شوید و مرابه حال خود رها کنید؛ با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان، عذری برای شما باقی نمانده است. آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت؟





تیرهای اشک

کار شب و روز من آه و ناله، گریه و اشک و غصه و درد. آن قدر می‌گریم که با این مدت کم گریه کردیم، مرا یکی از گریه کنندگان عالم- که پنج نفرند- می‌دانند. آخر مگر می‌شود درست چند روز پس از ارتحال پیامبر خدا، خیانت‌ها را ببینم و بدامن دشمنان چه با دینِ خدا کرده‌اند و ساکت‌باشیم.

هر روز دست حسن و حسین را می‌گیرم و آنها را با خود به بیرون مدینه می‌برم و به دور از این شهر غریب زیر سایهٔ درختی می‌نشینم و گریه می‌کنم. آخر در این شهر دیگر نمی‌توان به تنها‌ی رفت و آمدکرد! عجیب است که در شهر پیامبر و چند هفته پس از او تنها خانه‌ای که این نیست خانه‌ی تنها دختر و فرزند اوست و تنها خانواده‌ای که امان ندارند تنها یادکارانِ اویند. دخترش و دامادش و نوه‌هایش!

آن قدر رفتم و گریستم که آن محل «بیت‌الحزان» (خانه‌ی غمها) نام گرفت. اماً مگر من مجروم و من غم دیده چقدر طاقت دارم؟ منی که سینه‌ام مجروم است و پهلویم آزُرده. منی که صورتم کبود است و چشم‌آسیب دیده و منی که بازویم ورم کرده و فرزند نارسیده ام را با ضرب لگد چیده‌اند.

با اینکه توان رفتن به آنجاراندarm ولی باز هم می‌روم تا مبادا استراحت این مردم از بین برود. روزی که آدم بنشتیم و عقده‌های دلم را کمی تسکین دهم، دیدم سایهٔ بان مراقطع کرده‌اند!! حالا معلوم شد که گریه‌های من استراحت و خواب آنها را نگرفته بود. گریه‌های من همچون تیرهایی بود که بر قلبشان می‌نشست و روز به روز مقتضی ترمی شدند و آنها از این می‌هراستند.



حضرت زهرا عليها السلام

همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت
زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت‌های بهشتی خواهد بود.



حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ

ما اهل بیت پیامبر و سیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم. ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می‌باشیم، ما حجت و راهنما حواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم.



معیار خوبی‌ها

من که در زندگی از توجز مهر و لطف و وفادیدم خدا کند
که دل تو نیز از من ناخشنود نباشد.
روح تو آنقدر بزرگ بود که در ازدواج، شفاعت پیروانت را
به کابین طلبیدی و خداوند براین مهر صحه گذاشت.
کلام تو وحی محض بود و رفتار تو عین سنت. تو خود،
ملاک و ضابطه بودی. تو با هیچ معیاری سنجیده نمی‌
شدی. تو خود محک بودی، شاهین سنجش بودی.
عفت، از تو نشأت می‌گرفت، حیا، وامدار تو بود، تقوی آن
بود که تو داشتی، روزه آن بود که تو می‌گرفتی، نماز آن
بود که تو می‌خواندی، عمل صالح آن بود که تو می‌کردی.
چشم نجابت به تو بود و نگاه پاکدامنی، خیره به رفتار تو.
زنانگی پای درس تو می‌نشست و خانمی از تو سرمشق
می‌گرفت.

تو اگر نبودی من با چه کسی می‌توانستم زندگی کنم؟ جز
دل آسمانی تو کدام آشیان دلی می‌توانست روح مرا در
خویش جای دهد؟ و جز من چه کسی می‌تواند قدر و منزلت
تو را بشناسد که نه سال تمام با تو زندگی کرده‌ام و جز
صفات الهی و خلق و خوی محمدی هیچ از تو ندیده‌ام؟



سازمان اوقاف امور خیرية
معاونت فرنگی

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ

امام همچون کعبه است که باید به سویش روند، نه آنکه
(منتظر باشند تا) او به سوی آنها بیاید.



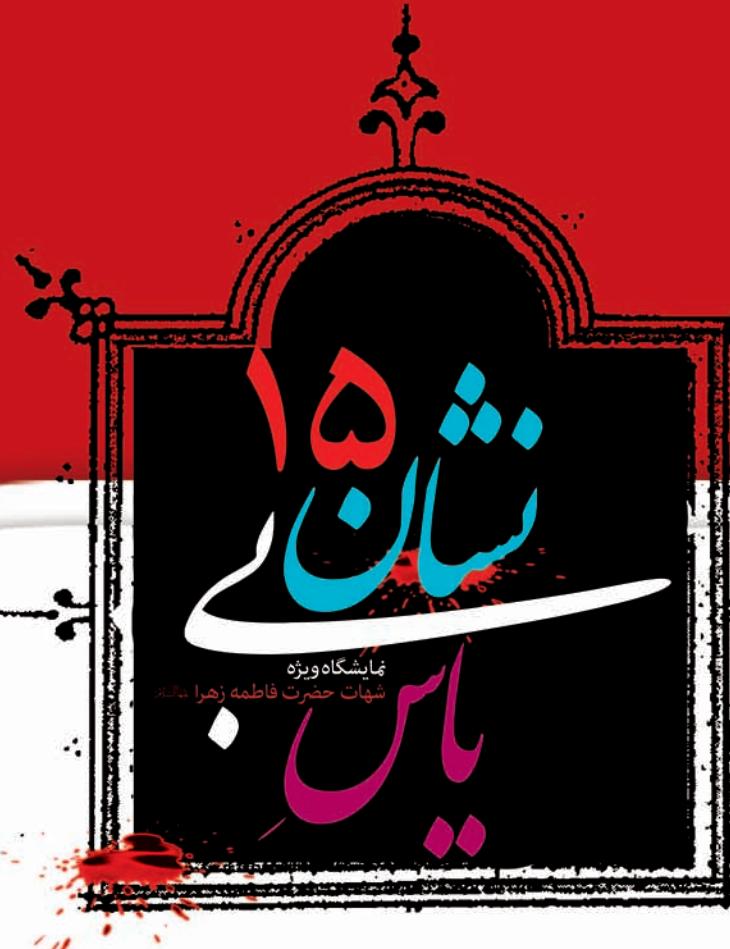
فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، فدایی ولایت

یکی از ضروری ترین عرصه هایی که در آن بایستی به فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ اقتدا نمود، عرصه دفاع از حریم امامت و ولایت می باشد. در فرهنگ شیعیان، حضرت صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ به عنوان حامی و فدایی ولایت لقب گرفته اند؛ چرا که او در کوتاه دوره زندگانی خویش پس از هجران رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلٰيْهِ وَسَلَّمَ زیباترین جلوه پاسداری از حریم ولایت را به تصویر کشانید و یگانه ترین اسوه گری را در این گستره بر تاریخ تاریخ جاودانه گردانید.

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ شیداترین پروانه شمع امامت بود؛ پروانه عاشقی که با سوختن و فداسازی خویش به همگان آموخت که امام برق چونان کعبه است؛ کعبه ای که مردم بایستی بر گردش طوف نمایند؛ نه او بر گرد مردم. این، فاطمه بود که عاشقانه ترین پاسداشت را از حریم امامت روا داشت. این، فاطمه بود که یگانه ترین اسوه دهی را در همراهی با ولایت ادا ساخت؛ همو که پهلویش شکست و در خون نشست؛ اما لحظه ای از یاوری ولی امر خویش از پای ننشست؛ هموکه با فریادهای جگرسوز خویش، زیباترین شعار ولایت مداری را در گوش جان پیروان خویش طینی اند از ساخت؛ ای ولی امر من! روحم به فدای روح تو و جانم سپر بلای تو! هماره هماره تو خواهم بود؛ چه در خیر و نیکی به سر بری و چه در سختی و بلا گرفتار شوی! باری، پیشترین، خالص ترین و کاری ترین حمایت گر ولایت و امامت، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ بود و هموست که بایستی مقندا و اسوه ما در این برده از زمان واقع شود.



حضرت زهرا عليها السلام
گشاده رویی در چهره مؤمن برای صاحبش، بهشت
راسب می شود.



زیباترین سرمشق بخشش

تو اصلاً برای خودت نبودی، ایثار محض بودی و زیباترین سرمشق
بخشش
یادت هست که من و حسین در بستر بیماری خفته بودیم و تو و پدر
پروانه‌وار گردمان می‌گشتید و مداوایمان می‌کردید. نذر کردید که سه
روز روزه بگیرید.

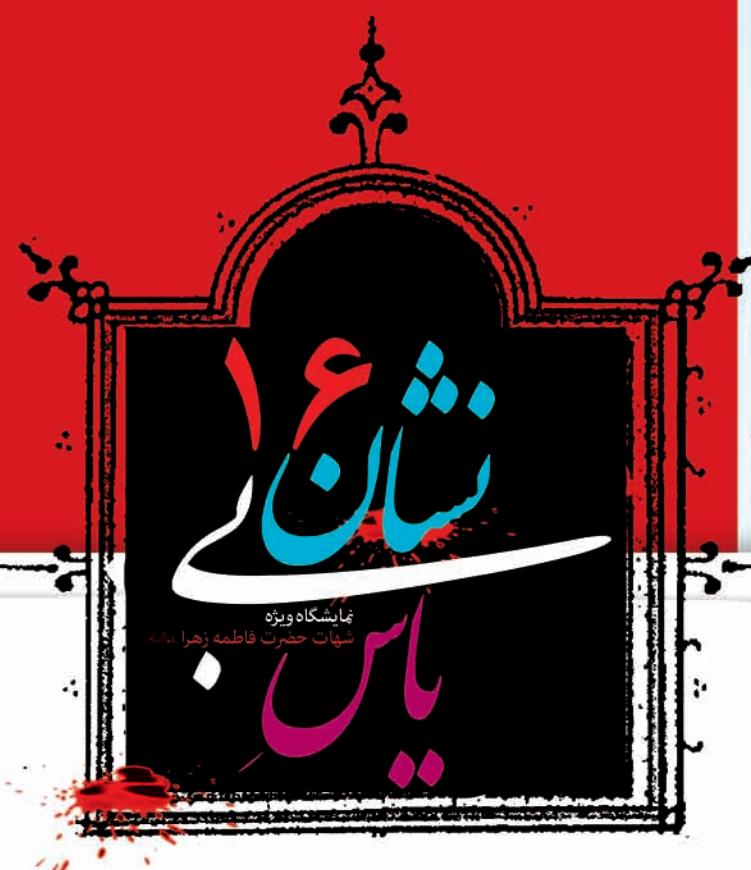
ما به لطف خدا و دعای شما شفا یافتیم و اولین روز ادای نذر آغاز شد و
ما هم با شما سه روز را روزه گرفتیم.
وقت افطار بود که صدای در بلند شد. مسکینی بود که یاری می‌خواست.
هنوز کلام فقیر به پایان نرسیده بود که تو و پدرم نان‌های خود را بر
روی هم گذاشتید و ناکاه نانهای من و حسین و فضه را هم بر روی آن
یافتید و همه را تحويل سائل دادید.

افطار با آب گشوده شد و همه گرسنگی را با خود به رختخواب بردیم.
و اینگونه سه روز بر ما گذشت بی آنکه چیزی غیر از آب در سفره داشته
باشیم.

بعد از این روز سوم روزه، من و حسین از حال رفتیم، تو چشمانت به
گودی و کبودی نشسته بود، اما به نماز ایستادی و پدر هم که مرد
گرسنگی بود و صبوری، چون کوه، استوار ایستاده بود و خم به ابرو
نمی‌آورد ولی به حال مارقت می‌برد.



سازمان اوقاف و امور خارجه
معادن فرنگی



فاطمه، جلوه نمای جمال خدایی

هر موجودی به اندازه ظرفیت وجودی خویش، پرتوی از نور جمال احدي را نمودار می سازد؛ از این روی به هر میزان که ظرفیت وجودی موجود كامل تر باشد، تجلیات بیشتری از انوار جمال را منعکس می نماید. در نتیجه، هر چه مرتبه وجودی قوی تر باشد، جمال آن بیشتر و مشاهده آن لذت بخش تر خواهد بود.

آن هنگام که نور فاطمه از نور عظمت و جلالت الهی سرچشمه گرفت، تمام آسمان ها را غرق نورافشانی خویش گردانید؛ تا جایی که ملایکه آسمان ها از عظمت این آفریده خدایی، جملکی بر آستان ربوی سر به سجده ساییدند و مات و حیران پرسیدند:

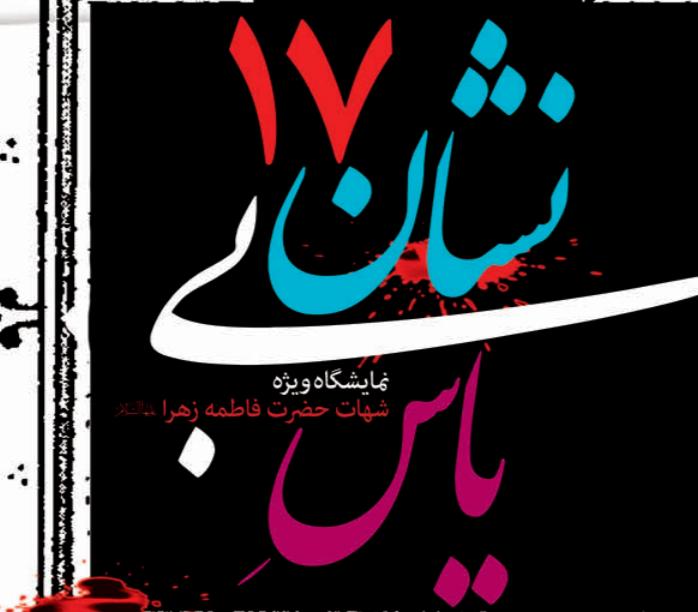
ای پرورش دهنده ما! و ای سید و سرور ما! حقیقت این نور بی نظیر چیست؟!

در پاسخ سؤال خویش، شنیدار این وحی الهی شدند که:

این آفریده، پرتوی است از نور من که در آسمانم جایش داده ام؛ او را از عظمت بی انتهای خویش آفریده ام؛ او را از صلب پیامبری از پیامبرانم خارج خواهم گردانید که با فضیلت ترین پیامبران است؛ از این نور، امامانی را برمی انگیزم که امر مرا اقامه می کنند و به حقیقت من رهنمون می شوند؛ ایشان را جانشینان خویش در روی زمین، بعد از خاتمه وحیم، قرار خواهم داد.

امام باقر علیه السلام:
اطاعت از فاطمه علیها السلام بر قامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرنده‌گان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است.





نور تبسم فاطمه علیها السلام

بهشتیان در جنت های جاویدان غرقِ لذت بَری از انواع نعمت های بهشتی می باشند که به ناگاه نوری فروزنده همچون نور خورشید، همه بهشت ها را نورافشان می کند. تلاوی این نور، تمام توجه بهشتیان را از لذت ها و نعمت های بهشتی بازگردانده، به خود معطوف می دارد. در این هنگام، در حالی که غرق تماشای این نور گشته اند، با تعجب و حیرت از یکدیگر می پرسند: این نور چیست و از آن کیست؟! شاید که پروردگار پر عزّت ما جلوه گر شده و بر ما نظر افکنده است!!!

برخی دیگر در پی نظاره این نور بی مثال به مناجات با خداوند دل می سپارند و می پرسند: پروردگار! همانا در کتاب خود در وصف بهشت فرموده ای: بهشتیان، در جنت خورشیدی نمی بینند؛ پس این خورشید فروزان که نور همه جنان در پیشگاه آن بی فروع است، چیست؟!

و در نهایت، پاسخ خود را می یابند؛ این نور، نور تبسم فاطمه زهرا علیها السلام به روی علی مرتفعی در فردوس اعلاست که نورافشان جنان و لذت بخش جنتیان گردیده است؛ چنان نوری بی مثال که انوار جنان با وجود آن، توان فروغ و پرتوافشانی نمی یابند و لذتی وصف ناشدنی که تمام نعمت ها، لذت ها و بهجت های بهشتی در پیشگاه آن، مجال دلربایی و عشهو گری نمی یابند.

نور تبسم فاطمه علیها السلام به روی امیر مؤمنان علیهم السلام در بهشت، والاترین لذت و بی مثال ترین ابتهاج بهشتیان می شود و این خود شاهد دیگری است بر کمال ظرفیت وجودی فاطمه.

پیامبر اکرم ﷺ:
ای فاطمه علیها السلام مژده باد!
که در پیشگاه خدا مقامی شایسته داری که در آن مقام
برای دوستان و شیعیان شفاعت می کنی.

الْفَلَفَلُ الْفَلَفَلُ

سَلَامٌ عَلَيْهَا



زهرا



پیامبر اکرم ﷺ:
من نام دخترم را فاطمه علیها السلام گذاشتم؛ زیرا خدا
عژوجل فاطمه علیها السلام و هر کس که او را دوست دارد،
از آتش دوزخ دور نگه داشته است.



بهترین سیره برای بانوان

پیامبر ﷺ روزی از جمع مسلمانان حاضر در مسجد سؤال کردند که آئی شئ خیر لنساء؛ چه روش و سیره ای برای زندگانی بانوان بهتر است؟

هر کس به فراخور معرفت خویش جوابی داد؛ اما هیچ جوابی پیامبر را قانع نمی ساخت. در این هنگام سلمان فارسی که در آن روزگار پیرمردی باوقار و پرذکاوت بود، با خود اندیشید که پاسخ این سؤال دقیق از سطح عمومی اندیشه مردان فراتر است. از این روی، خود را به خانه زهرا علیها السلام رسانید و پاسخ سؤال پیامبر را از یگانه دخترش جویا شد. حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ سؤال پدر فرمودند: برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند.

سلمان به مسجد بازگشت و پاسخ را طرح نمود. پیامبر دانستند که این پاسخ از خود سلمان نیست؛ از این روی پرسیدند: این جواب را از که آموختی؟

سلمان عرضه داشت: سؤال شما را از دختران زهرا پرسیدم و چنین پاسخ شنیدم.

پیامبر در این هنگام فرمودند: جعلت فداها آبوها ... إن فاطمة بضعة مني؛ پدرش به فدایش باد ... به راستی که فاطمه پاره ای از وجود من است.